

(بقیه از صفحه ۱۶)

از این نظر قرآن چنین افراد را ملامت کرده و میگوید: **یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا بین یدی الله رسوله (احزاب آیه ۱۶)** یعنی: ای افراد با ایمان بر خدا و پیامبر او سبقت مگیرید. **حواشی استاد:** قرآن من بعد از انقلاب از مسلمانان تقصیر میکند که به دستور پیامبر در مسکنه اقامت گزینند و پیامبر را از تصمیمات قریش آگاه سازد. او پس از جنگ خیبر، نظر به اسلام میبوسد، ولی در راه با او اسرا را قریش محبوس بود. او تصمیم گرفت که به توان یکی از آخرین خادمان مسلمان مسکنه ترک گویند و در بند مسکنه گزینند. در همان روزها ای که پیامبر عازم مسکنه بود، او سمت مدینه حرکت کرد و در راه راه «حقیقه» یا پیامبر ملاقات نمود و وجود عباس در قحط مسکنه بسیار سودمند و بنفع طرفین تمام گردید و اگر او نبود شاید فتح مسکنه بدون مقاومت قریش صورت نمیگرفت. توضیح این بحث را در آیه شوالیه شواهد نمید. از این نظر هیچ عیب نیست که حرکت او دستور پیامبر بوده تا در این بین قش اسلام طلبانه خود را ایفاء کند.

(بقیه از صفحه ۳۸) خداوند شتاب بفرستگان آسمان چنین فرمود: **لکنتم که من اسراؤ آسمانیا و زمین را میدانم و آنچه آشکار میکنید و پنهان میدارید و آخریم ۱ و در این هنگام پیروز گان در میان ما که ملائکه بر اویم سجده کنند (۱)**

پیروز گان است که در بازار مسخر شما گردنا کشتی با بقرمان او در آن حرکت کنند... و آنچه که در آسمانها و زمین است بنگرند در تخیل شما از آنکه در این امر برای گروهی که لشکر گفتند بر توست (۲)

... و حیوانات نیز آفرید که در آسمانها در بدو از آن میجوید... اوست که از آسمان آب بر زمین نازل کرد که هم خود را سیراب شود و هم در حقها سیراب شود و همه گونه گیاهها برای شما در او آید و شب و روز در بهشت شما گشتند و خوردند... اوست که با او در فرمان شما در آمدند و اوست که در بازار مسخر نمود تا از گوشتهای تازه آن استفاده کنید حتی از آن بپختنای اسب خراج کرده پیرایه خویش سازید (۳)

(۱) سوره بقره ۲۹ - (۲) سوره ۲۳ - (۳) نحل ۵-۱۶

فلسفه وکیایه قرآن لکنتم بر تان؟

آزاد کردن عده بهسازی از غلامان بوسیله وضع یک قانون مخصوص صلاح نیست زیرا موجب اختلال نظم اقتصادی جامعه میگردد و حتی معایب اجتماعی و سیاسی دارد مثلا در ویسی چون غلامان آزاد شده حق رای دادن در انتخابات را پیدا کردند سائز اکثریت گزیده و قانونی وضع نمودند که بموجب آن هر کس از افراد آزاد، عروس تعدادی از غلامان آزاد شده باید به شب اول عروسی به دختر تازه عروس بخواهد و شب دوم او را تسلیم نماید کند.

بنابر این آزاد کردن غلامان باید تدریجی باشد مثلا ممکن است قانون گذار اجازه بدهد غلامان از درآمد کلنهای خود سرمایه گرد آورده و خود را از آقای خویش خریداری نمایند و با دوره غلامی را محدود کنند همانطور که موسی دوره غلامی عبرانیان را به شش سال محدود نمود و نیز ممکن است هر ساله عده مینی از غلامان را آزاد نمایند مگر بواسطه اینکه سن و سال و صحت مزاج و کسب و صنعت آنها اجازه بدهد که بتوانند معاش خود را تأمین نمایند. روح القوانین ص ۲۵۸